



The Preparatory Governance Model of Imam Khomeini: Indicators and Its Relation to Modern Governance¹

Masoud Moeinipour¹  ID Hamid Bayrami²  ID

1. Associate Professor, Department of Political Studies, Faculty of History and Political Studies, Baqir al-Olum University, **(Corresponding Author)**. Qom, Iran. masood.moeini@gmail.com

2. PhD Student in Public Policy-making, Faculty of History and Political Studies, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. hamidbayrami108353@gmail.com



Abstract

The main issue of this study is the absence of a local and Islamic theoretical framework for governance aimed at realizing the Islamic civilizational project and preparing the conditions for the reappearance of Imam Mahdi. While the governance literature has primarily developed within Western modern frameworks such as good governance, network governance, or comparative governance, there is an urgent need for a novel model based on the principles of Imam Khomeini and the experience of the Islamic Republic of Iran. The theoretical necessity of this research lies in bridging the conceptual gap between modern governance theories and the religious-Islamic foundations of governance. Its practical necessity is evident in addressing the needs of policymakers in the Islamic Republic of Iran to design mechanisms that are just, participatory, and civilization-building. The objectives of the

-
1. Moeinipour, M., & Bayrami, H. (2025). The preparatory governance model of Imam Khomeini: Indicators and its relation to modern governance. *Mahdavi Society*, 6(1), pp. 65-103.
<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72302.1111>

☑ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

☑ **Received:** 2025/01/11 • **Revised:** 2025/03/03 • **Accepted:** 2025/05/07 • **Available Online:** 2025/07/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



study include: extracting key components and principles of the preparatory governance model based on Imam Khomeini's thought, clarifying the model's relation to the components of the Islamic civilizational project, designing an analytical and operational framework for macro-level policymaking, and providing indicators and tools to evaluate the implementation of the model. The novelty of the research lies in presenting an alternative governance model that, in addition to relying on Islamic sources and the experience of the Islamic Revolution, can systematically leverage public participation, social justice, and social regeneration in service of the Islamic civilizational project. The research method is analytical-qualitative, based on a review of documents, texts, and works of classical and modern governance theorists, along with an analysis of Imam Khomeini's thought and the experience of revolutionary institutions in the Islamic Republic. Key findings indicate that, compared to Western models, the preparatory governance model pays special attention to the semantic, value-based, and social dimensions of governance, rather than focusing solely on administrative and economic efficiency. By strengthening public participation, justice, independence, and *wilayah*-orientation, this model can lay the groundwork for moving toward the Islamic civilizational project.

Keywords

Governance, Islamic governance, preparatory governance, Imam Khomeini, Islamic civilizational project, local governance model, justice and spirituality.

مدل حکمرانی زمینه‌ساز امام خمینی علیه السلام: شاخص‌ها و نسبت با حکمرانی مدرن^۱



مسعود معینی‌پور^۱  حمید بایرامی^۲ 

۱. دانشیار، گروه مطالعات سیاسی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول).
masood.moeini@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.
hamidbayrami108353@gmail.com

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش، نبودن چارچوب نظری بومی و اسلامی برای حکمرانی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و فراهم‌سازی شرایط ظهور است. در شرایطی که ادبیات حکمرانی به‌طور عمده، در چارچوب‌های مدرن غربی مانند حکمرانی خوب، حکمرانی شبکه‌ای یا حکمرانی تطبیقی شکل گرفته است، نیاز به مدلی نوین که بر مبانی اندیشه امام خمینی علیه السلام و تجربه جمهوری اسلامی استوار باشد، ضرورتی جدی یافته است. ضرورت نظری پژوهش در پرکردن شکاف مفهومی میان نظریه‌های حکمرانی مدرن و مبانی دینی - اسلامی حکمرانی نهفته است. از سوی دیگر، ضرورت عملی آن در پاسخگویی به نیاز سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران برای طراحی سازوکارهای عادلانه، مشارکت‌افزا و تمدن‌ساز قابل مشاهده است. اهداف پژوهش شامل استخراج مؤلفه‌ها و اصول کلیدی مدل حکمرانی زمینه‌ساز بر پایه اندیشه امام خمینی علیه السلام، تبیین نسبت این مدل با مؤلفه‌های تمدن نوین

۱. معینی‌پور، مسعود؛ بایرامی، حمید. (۱۴۰۴). مدل حکمرانی زمینه‌ساز امام خمینی علیه السلام: شاخص‌ها و نسبت با حکمرانی مدرن. جامعه مهدوی، ۶(۱)، صص ۶۵-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22081/jm.2025.72302.1111>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

© ۲۰۲۵ نویسنده‌گان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



اسلامی، طراحی چارچوب تحلیلی و عملیاتی برای سیاست‌گذاری در سطح کلان، ارائه شاخص‌ها و ابزارهای ارزیابی تحقق مدل است. نوآوری پژوهش در ارائه مدلی بدیل برای حکمرانی است که افزون بر اتکا بر منابع اسلامی و تجربه انقلاب اسلامی می‌تواند ظرفیت‌های مشارکت عمومی، عدالت اجتماعی و بازآفرینی اجتماعی را به‌صورت نظام‌مند در خدمت تمدن نوین اسلامی قرار دهد. روش پژوهش تحلیلی - کیفی مبتنی بر بررسی اسناد، متون و آثار نظریه‌پردازان کلاسیک و مدرن حکمرانی، به‌همراه تحلیل اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و تجربه نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی است. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهد که مدل حکمرانی زمینه‌ساز در مقایسه با الگوهای غربی، به‌جای تمرکز صرف بر کارآمدی اداری و اقتصادی، به ابعاد معنایی، ارزشی و اجتماعی حکمرانی توجه ویژه دارد و از طریق تقویت مشارکت مردمی، عدالت، استقلال و ولایت‌مداری می‌تواند زمینه‌ساز حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی، حکمرانی اسلامی، حکمرانی زمینه‌ساز، امام خمینی علیه السلام، تمدن نوین اسلامی، الگوی بومی حکمرانی، عدالت و معنویت.



مقدمه

مطالعه حکمرانی در ایران و جهان از دیرباز مورد توجه پژوهشگران علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مطالعات توسعه بوده است. تجربه‌های مختلف حکمرانی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه نشان می‌دهد که تحقق اهداف ملی، اجتماعی و فرهنگی تنها از مسیر مدل‌های صرفاً اداری یا تکنوکراتیک ممکن نیست. در دهه‌های اخیر، ظهور مدل‌های مدرن حکمرانی، از جمله حکمرانی شبکه‌ای، هرم و بازاری، تلاش کرده‌اند تا انعطاف‌پذیری، مشارکت عمومی و کارآمدی را به عرصه مدیریت کلان بازگردانند. با این حال، بررسی تجربه ایرانی نشان می‌دهد که این مدل‌ها به دلیل تمرکز بر مؤلفه‌های اقتصادی، نهادی یا فرایندی، نمی‌توانند به طور کامل، واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی کشور ما را تبیین کنند. به بیان دیگر، شکاف نظری مهمی در تحلیل حکمرانی ایران وجود دارد که نادیده گرفتن آن، امکان طراحی سیاست‌ها و سازوکارهای مؤثر را محدود می‌کند.

در چنین زمینه‌ای، مدل «حکمرانی زمینه‌ساز» که بر اساس اندیشه امام خمینی علیه السلام شکل گرفته است، مفهوم تازه‌ای از حکمرانی ارائه می‌دهد که فراتر از معیارهای صرفاً مدیریتی یا توسعه‌ای، به ابعاد هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اجتماعی توجه دارد. این مدل، تحقق اهداف ملی و اسلامی را از طریق تقویت کنش جمعی، ارتقای مشارکت عمومی، حفظ استقلال و عدالت اجتماعی دنبال می‌کند و ابزارها و نهادهای جامعه را در راستای توسعه انسانی و فرهنگی سازمان‌دهی می‌کند. به عبارت دیگر، حکمرانی زمینه‌ساز، هم مدل‌هنجاری برای آرمان‌خواهی اجتماعی فراهم می‌آورد و هم چارچوب عملیاتی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد.

ضرورت پرداختن به حکمرانی زمینه‌ساز از دو منظر قابل توجه است. نخست، از منظر نظری، فقدان چارچوبی منسجم برای تحلیل تجربه حکمرانی در ایران، سبب پراکندگی مطالعات و محدودیت در تبیین روابط بین نهادها، بازیگران و سازوکارهای اجتماعی شده است. دوم، از منظر عملی و سیاستی، بدون فهم دقیق مؤلفه‌ها و شاخص‌های این مدل، طراحی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که بتوانند عدالت، استقلال، امنیت و مشارکت

عمومی را هم‌زمان محقق کنند، دشوار خواهد بود. این ضرورت، اهمیت پژوهش حاضر را در تعریف دقیق مدل، شناسایی عناصر و شاخص‌ها، و بررسی نسبت آن با مدل‌های مدرن حکمرانی دوچندان می‌کند.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام و ارائه شاخص‌ها و معیارهای سنجش پیشرفت جامعه ایرانی - اسلامی است. در این مسیر، پژوهش می‌کوشد هم ابعاد نظری و هنجاری مدل را روشن کند و هم سازوکارهای عملیاتی آن را معرفی نماید تا بتواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران، مدیران و پژوهشگران فراهم آورد. افزون بر این، بررسی تطبیقی حکمرانی زمینه‌ساز با مدل‌های مدرن، نقاط قوت و محدودیت‌های آن را در بسط‌های مختلف روشن می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از آموزه‌های این مدل در بهبود فرایندهای حکمرانی بهره برد.

پرسش اصلی این پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود: «مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد و چگونه می‌توان آن را با مدل‌های مدرن حکمرانی مقایسه کرد؟» برای دستیابی به پاسخی جامع، اهداف پژوهش در قالب پرسش‌های فرعی نیز دنبال می‌شود: شناخت عناصر و نهاد‌های کلیدی، تعیین شاخص‌های کمی و کیفی پیشرفت جامعه، بررسی الزامات عملی تحقق مدل، و تحلیل مقایسه‌ای آن با تجربه‌های جهانی و دیگر مدل‌های حکمرانی. پاسخ به این پرسش‌ها، زمینه‌ساز تدوین چارچوب تحلیلی جامع برای سیاست‌گذاری و پژوهش‌های آینده خواهد بود.

ساختار مقاله نیز به گونه‌ای طراحی شده است که ابتدا مرور ادبیات و مبانی نظری مدل‌های حکمرانی کلاسیک و مدرن ارائه می‌شود. سپس حکمرانی زمینه‌ساز و مبانی اندیشه امام خمینی علیه السلام تشریح می‌گردد. در ادامه، تبیین عناصر، شاخص‌ها و الزامات عملی مدل صورت می‌گیرد و مطالعه موردی نهاد‌های ایرانی نشان داده می‌شود. در نهایت نسبت مدل با تمدن نوین اسلامی تحلیل می‌شود و جمع‌بندی و پیشنهاد‌های سیاستی و پژوهشی ارائه می‌گردد. این روند نگارشی می‌کوشد هم یک جریان منطقی و

تحلیلی ایجاد کند و هم تصویر روشن و علمی از مدل حکمرانی زمینه‌ساز ارائه دهد. در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از مطالعات در حوزه حکمرانی اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) انجام شده‌اند که هر یک از منظری خاص به تبیین رابطه دین، سیاست و حکمرانی پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله محمد محمودی کیا (۱۳۹۸) اشاره کرد. در این اثر به تحلیل مفهومی مشروعیت و کارآمدی در سیره امام پرداخته، اما فاقد مدل عملیاتی تمدن ساز است. همچنین، پژوهش عباس کشاورز شگری و جبار شجاعی شاهد (۱۳۹۵) بر مؤلفه‌های اخلاقی و تربیتی تمرکز دارد، اما چارچوب سیاست‌گذاری کلان را ارائه نمی‌دهد. مقاله حسین متفکر و سهیلا بهاروندی (۱۴۰۱) به شاخص‌سازی در سطح عمومی پرداخته، ولی فاقد پیوند با اندیشه امام خمینی و تمدن نوین اسلامی است. پژوهش علیرضا داداشی‌جوکنان و همکاران (۱۴۰۰) با روش داده‌بنیاد به مدل مدیریت سیاسی و حکمرانی خوب مبتنی بر دیدگاه اسلامی برای عصر غیبت ارائه داده است اما تمرکز تمدن‌ساز ندارد. همچنین، مقاله مهدی رضایی و محمدمهدی رضوانی‌فر (۱۳۹۸) به جایگاه سیاست‌گذاری در حقوق اساسی پرداخته، اما فاقد مدل تحلیلی حکمرانی و ارتباط با اندیشه امام خمینی است. پژوهش حاضر با عنوان «مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی (ره)» با نوآوری در مفهوم پردازی، طراحی شاخص‌های تمدن‌محور، تحلیل تطبیقی با مدل‌های مدرن حکمرانی، و ارائه الزامات سیاستی، گامی فراتر از مطالعات پیشین برداشته و الگویی بومی و تمدن‌ساز برای حکمرانی اسلامی ارائه می‌دهد.

در مجموع، بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که گرچه مفهوم حکمرانی اسلامی در دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، ابعاد نظری و کاربردی «حکمرانی زمینه‌ساز» - به‌مثابه حلقه واسط میان دولت اسلامی و تمدن نوین اسلامی - کمتر به صورت نظام‌مند تحلیل شده است. پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از روش تحلیل مضمون و مطالعه ساختاری اندیشه امام خمینی (ره)، مدلی بومی و مفهومی از حکمرانی زمینه‌ساز را بازسازی کند تا بتواند هم مبنای نظری و هم چارچوب سیاست‌گذاری برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم آورد.

۱. مرور ادبیات و مبانی نظری

۱-۱. مدل‌های کلاسیک و متأخر حکمرانی

مطالعات حکمرانی در جهان معاصر نشان می‌دهد که نظریه‌های کلاسیک و متأخر، هریک در تبیین پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نقاط قوت و ضعف مشخصی دارند. مدل‌های کلاسیک حکمرانی، مانند مدل هرم و بازاری، بیشتر بر ساختارهای نهادی، فرایندهای تصمیم‌گیری و کارآمدی اداری تأکید می‌کنند و اغلب با محوریت دولت و نهادهای رسمی شکل گرفته‌اند. مدل هرم، با تمرکز بر سلسله‌مراتب و کنترل مرکزی، امکان هماهنگی و ثبات نسبی را فراهم می‌کند؛ اما انعطاف‌پذیری و ظرفیت پاسخگویی به نیازهای جامعه را محدود می‌سازد. در مقابل، مدل بازاری با تأکید بر کارایی، رقابت و نقش بازار در تخصیص منابع، امکان تطبیق با شرایط اقتصادی متغیر را افزایش می‌دهد؛ ولی در بسیاری از جوامع دینی و فرهنگی، پاسخگویی به ارزش‌ها و اهداف جمعی را به اندازه کافی پوشش نمی‌دهد.

با گذر زمان، نظریه‌پردازان مدرن حکمرانی به این نتیجه رسیدند که مدل‌های سنتی (آنشل و تورفینگ، ۱۴۰۳، ص ۶۴۲) به تنهایی نمی‌توانند به پیچیدگی‌های اجتماعی و شبکه‌ای امروز پاسخگو باشند. این ضرورت، باعث شکل‌گیری مدل‌های شبکه‌ای حکمرانی می‌شود که در آن، تعامل بین نهادهای دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی به محور اصلی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تبدیل می‌گردد. در این مدل، مشارکت و همکاری میان بازیگران مختلف، هماهنگی فرایندها و افزایش ظرفیت پاسخگویی به نیازهای جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که حتی مدل‌های شبکه‌ای و بازاری، در جوامعی که ابعاد دینی، فرهنگی و ارزش‌محور اهمیت دارند، نمی‌توانند همه ابعاد توسعه انسانی و اجتماعی را به‌طور یکپارچه پوشش دهند.

در این زمینه، مفهوم «حکمرانی زمینه‌ساز» بر اساس تجربه و اندیشه امام خمینی علیه السلام به مثابه مدلی نوین مطرح می‌شود که می‌کوشد شکاف میان نظریه و عمل، هنجار و

واقعیت، نهاد و اجتماع را پر کند. حکمرانی زمینه‌ساز برخلاف مدل‌های صرفاً مدیریتی، به جای تمرکز صرف بر کارایی و ساختار، بر تقویت ظرفیت‌های جامعه و افراد برای مشارکت فعال، ارتقای عدالت اجتماعی و حفظ استقلال و امنیت جمعی تأکید دارد. این مدل، فرایندهای حکمرانی را به گونه‌ای طراحی می‌کند که زمینه رشد و توانمندسازی نهادها، بازیگران اجتماعی و فرهنگی، و درنهایت، کل جامعه را فراهم می‌نماید.

از منظر اندیشه امام خمینی (ره)، انسان و اجتماع دارای ماهیت و رسالت ویژه‌ای هستند. جامعه نه تنها مجموعه‌ای از افراد و نهادها بلکه بستری برای تحقق ارزش‌های انسانی و الهی است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند؛ دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند؛ مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است؛ اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند (خمینی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۹).

بنابراین از نظر ایشان، آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود، ناقص است، ابعاد اجتماعی اسلام را در بر ندارد و خاصیت انقلابی و حیاتی از آن گرفته شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۱۰؛ به نقل از نامخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱). اگر نگاه توحیدی در همه ابعاد زندگی وجود داشته باشد، به تشکیل ساختاری اجتماعی بر اساس این نگاه می‌انجامد. بر این اساس، حکمرانی زمینه‌ساز مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را در بر می‌گیرد که هدف آن تحقق آرمان‌های اجتماعی و فرهنگی، تضمین کرامت انسانی، عدالت، استقلال، امنیت و مشارکت فعال مردم است. این مؤلفه‌ها شامل نهادهای رسمی و غیررسمی، سازوکارهای تعامل و کنشگری، و شاخص‌های کمی و کیفی پیشرفت جامعه می‌شود. هر یک از این مؤلفه‌ها در تعامل با دیگری، ساختاری منسجم و پویا ایجاد می‌کند که می‌تواند هم اهداف هنجاری و هم اهداف عملیاتی جامعه را پوشش دهد.

یکی از ویژگی‌های برجسته حکمرانی زمینه‌ساز، توجه هم‌زمان به ابعاد نظری، هنجاری و عملیاتی است. از منظر نظری، این مدل یک چارچوب مفهومی و فلسفی برای فهم روابط بین نهادها، بازیگران و ارزش‌ها ارائه می‌دهد. از منظر هنجاری، اهداف آن بر مبنای اصول اسلامی و ارزش‌های انسانی تعریف می‌شوند و معیارهایی برای سنجش عدالت، استقلال و مشارکت عمومی ارائه می‌کند. از منظر عملیاتی، سازوکارهای مشخصی برای تحقق این اهداف معرفی می‌شود، از جمله تقویت نهادهای مدنی، توسعه ظرفیت مشارکت عمومی، و طراحی سیاست‌هایی که منافع جمعی و توسعه انسانی را تضمین کند. این تلفیق سه‌گانه، مدل حکمرانی زمینه‌ساز را از مدل‌های کلاسیک و مدرن متمایز می‌سازد و از این رو آن را برای تحلیل حکمرانی در بافت ایرانی - اسلامی بسیار کارآمد می‌کند.

پژوهش‌های پیشین در زمینه حکمرانی نشان داده‌اند که موفقیت مدل‌ها بستگی زیادی به زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه دارد (صداقت کیش و نصرالهی، ۱۳۹۵). در ایران، تجربه‌های تاریخی حکمرانی نشان می‌دهد که نهادهای اجتماعی و دینی نقش مهمی در شکل‌دهی به فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها دارند. نادیده گرفتن این واقعیت‌ها در طراحی مدل‌های مدرن، سبب ناکارآمدی و عدم پاسخگویی سیاست‌ها می‌شود. به همین دلیل، حکمرانی زمینه‌ساز بر نقش نهادهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی تأکید می‌کند و می‌کوشد با طراحی سازوکارهای تعاملی میان این نهادها و دولت، ظرفیت‌کنش جمعی (آنشل و تورفینگ، ۱۴۰۳، ص ۲۰۹) و توانمندی جامعه را افزایش دهد.

از دیگر مباحث مرتبط، شاخص‌ها و معیارهای سنجش پیشرفت در مدل حکمرانی زمینه‌ساز است. برخلاف مدل‌های صرفاً اقتصادی، این مدل شاخص‌های کمی و کیفی متنوعی ارائه می‌دهد که هم توسعه انسانی، هم عدالت اجتماعی و هم حفظ استقلال و امنیت جمعی را شامل می‌شود. این شاخص‌ها امکان ارزیابی عملکرد نهادها و سیاست‌ها را فراهم می‌کنند و به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا اقدامات خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که هم اهداف کوتاه‌مدت و هم اهداف بلندمدت جامعه محقق شود.

به‌طور خلاصه، مرور ادبیات نشان می‌دهد که هرچند مدل‌های کلاسیک و مدرن حکمرانی در بستر جهانی کاربرد دارند، نمی‌توانند به‌طور کامل، به واقعیت‌های جامعه ایرانی و اسلامی پاسخگو باشند. حکمرانی زمینه‌ساز با تکیه بر اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام، ظرفیت دارد یک چارچوب تحلیلی و عملیاتی یکپارچه را ایجاد کند که هم اهداف هنجاری و ارزش‌محور را پوشش دهد و هم سازوکارهای عملیاتی و نهادینه برای تحقق این اهداف را ارائه کند. این مدل، افزون بر فراهم آوردن امکان تحلیل علمی تجربه حکمرانی در ایران، چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی سازوکارهای توسعه انسانی، فرهنگی و اجتماعی ارائه می‌کند.

۲-۱. حکمرانی زمینه‌ساز

مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام به‌مثابه الگویی جامع، دربردارنده مؤلفه‌های پرشماری است که در تعامل با یکدیگر، ساختاری منسجم و پویا را برای تحقق اهداف اجتماعی، فرهنگی و دینی فراهم می‌آورد. این مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

≠ ولایت فقیه: ولایت فقیه به‌مثابه رکن اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش هدایت‌گر و نظارتی ایفا می‌کند و زمینه‌ساز تحقق عدالت و استقلال در جامعه است. امام خمینی علیه السلام با تأکید بر این اصل، حکمرانی را مبتنی بر شریعت و فقه اسلامی می‌دانستند. حضرت امام خمینی علیه السلام در تعریف جمهوری اسلامی چنین می‌فرماید: «حکومت جمهوری، متکی به آرای عمومی و اسلامی، متکی به قانون اسلام است؛ این را جمهوری اسلامی می‌گوییم و این مورد نظر ماست» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۴۴). در جایی دیگر نیز فرموده است: «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۴۴).

≠ عدالت اجتماعی: عدالت به‌مثابه یکی از اصول بنیادین در اندیشه امام خمینی علیه السلام، در همه ابعاد حکمرانی باید تحقق یابد. این عدالت نه تنها در توزیع منابع بلکه در

فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه نمود پیدا می‌کند. اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی در مکتب توحید تا جایی است که خداوند آن را یکی از اهداف بلند بعثت انبیای خود قرار داده است:

«همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع، و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۸۶). البته این حقیقتی است که در آیاتی از قرآن نیز بازتاب دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، ۲۵). حضرت امام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بیانات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم. ليقوم الناس بالقسط؛ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود، ستمگری‌ها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۱۳).

≠ مشارکت عمومی: مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی، از ارکان حکمرانی زمینه‌ساز است. امام خمینی علیه السلام همواره بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید داشتند و این مشارکت را سبب تقویت مشروعیت نظام می‌دانستند. ایشان در این باره فرمودند:

اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری، او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۷۱).

≠ استقلال و امنیت ملی: حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، از اهداف کلیدی در مدل حکمرانی زمینه‌ساز است. امام خمینی علیه السلام با تأسیس

جمهوری اسلامی، استقلال را از ارکان اساسی حاکمیت اسلامی می‌دانستند. امام خمینی علیه السلام برای استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ارزش فراوانی قائل بودند. «شما باید در راه تحقق استقلال نظامی کشور تلاش کنید به سطوح عالی دانش و تکنولوژی برسید و هرگز از روح تدین و فرهنگ قرآنی غافل نشوید (خمینی، ج ۲، صص ۲۱۵-۲۲۰).

≠ توسعه انسانی و فرهنگی: توسعه صرفاً اقتصادی کافی نیست، بلکه رشد و تعالی انسان‌ها در ابعاد اخلاقی، علمی و فرهنگی باید در اولویت قرار گیرد. امام خمینی علیه السلام با تأسیس نهادهایی چون جهاد سازندگی، به این امر اهتمام داشتند (قدیمی، ۱۴۰۲).

۲. شاخص‌ها و معیارهای سنجش

برای ارزیابی کارآمدی مدل حکمرانی زمینه‌ساز، باید شاخص‌های مشخصی تعریف شود که نشان‌دهنده تحقق مؤلفه‌های بالا باشد. این شاخص‌ها به شرح زیر است:

≠ شاخص‌های عدالت اجتماعی: نسبت به کاهش فقر، توزیع عادلانه منابع، و دسترسی برابر به خدمات عمومی (متفکر، ۱۳۹۶، صص ۴۵-۶۷).

≠ شاخص‌های مشارکت عمومی: میزان حضور مردم در انتخابات، مشارکت در نهادهای مدنی و اجتماعی، و نظارت عمومی بر عملکرد نهادها (شیرودی، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

≠ شاخص‌های استقلال و امنیت ملی: توانمندی در مقابله با تهدیدات خارجی، حفظ هویت ملی، و استقلال در تصمیم‌گیری‌های کلان (متقی، ۱۳۸۹، صص ۱۴-۳۵).

≠ شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگی: سطح سواد عمومی، رشد نهادهای فرهنگی، و ارتقای اخلاق و معنویت در جامعه (آهنگری، ۲۰۲۰، صص ۲-۱۷).

۳. الزامات عملی تحقق مدل

برای پیاده‌سازی مؤثر مدل حکمرانی زمینه‌ساز، نیاز به الزامات عملی مشخصی است که در سطوح مختلف حکمرانی قابل اجرا باشد. این الزامات به شرح زیر است:

≠ تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی: حمایت از تشکل‌های مردمی، سازمان‌های غیردولتی، و نهادهای فرهنگی که واسطه بین مردم و دولت هستند.
 ≠ آموزش و توانمندسازی منابع انسانی: سرمایه‌گذاری در آموزش عمومی و تخصصی، به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی و فرهنگی برای ارتقای سطح آگاهی و مشارکت مردم.

≠ شفافیت و پاسخگویی در نهادها: ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر، انتشار گزارش‌های عملکرد، و پاسخگویی مسئولان به مطالبات عمومی.
 ≠ تقویت اقتصاد مقاومتی و خودکفایی: توسعه ظرفیت‌های داخلی، کاهش وابستگی به منابع خارجی، و حمایت از تولیدات ملی با هدف حفظ استقلال اقتصادی.
 ≠ توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی: سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگ عمومی، رسانه‌ها، و نهادهای اجتماعی با هدف ارتقای هویت ملی و دینی.

۴. مبانی اندیشه امام خمینی علیه السلام

اندیشه امام خمینی علیه السلام دارای ابعاد هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اجتماعی است که هر یک به‌نحوی در شکل‌گیری مدل حکمرانی زمینه‌ساز مؤثر بوده‌اند. این ابعاد، چارچوبی فلسفی و ارزش‌محور برای فهم جامعه، انسان و رابطه آنها با حکومت ارائه می‌دهند.

۴-۱. ابعاد هستی‌شناختی

از منظر هستی‌شناختی، امام خمینی علیه السلام جهان را متکی بر اصول الهی و قوانین فطری می‌داند. ایشان بر این باور بودند که نظم اجتماعی و حکومت باید با این اصول هماهنگ باشد و هیچ نهاد و سیاستی نباید با عدالت و کرامت انسانی تضاد داشته باشد. این نگاه، پایه‌ای برای تعریف هنجارها و ارزش‌های بنیادین در مدل حکمرانی زمینه‌ساز فراهم می‌کند. بر اساس این نگاه، عدالت، استقلال، امنیت و کرامت انسانی نه تنها اهداف

عملیاتی بلکه ارزش های هنجاری و لازم الاجرا در نظام حکمرانی به شمار می آیند (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۲۲).

۲-۴. ابعاد انسان شناختی

ابعاد انسان شناختی اندیشه امام خمینی علیه السلام بر کرامت و شأن انسانی تأکید دارد. ایشان انسان را موجودی مختار، مسئول و توانمند می دانست که قادر به انتخاب و کنشگری در جامعه است. این نگاه انسان شناختی باعث شد که در مدل حکمرانی زمینه ساز، مشارکت فعال مردم و تقویت ظرفیت های انسانی به مثابه اصول بنیادین در نظر گرفته شود. انسان ها نه تنها گیرندگان دستورات حکومتی بلکه بازیگران کلیدی در تحقق اهداف اجتماعی و دینی هستند. آموزش، تربیت اخلاقی و تقویت مهارت های فردی و جمعی، از ابزارهای عملیاتی این بعد انسان شناختی است. امام خمینی علیه السلام در تبیین جایگاه انسان در نظام آفرینش می فرمایند: «انسان، این موجودی است که عصاره همه خلقت است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۱۸). ایشان همچنین معتقدند: خداوند تعالی با وحی به انبیای بزرگ، می خواسته است که مردم، همه بشر را هدایت کنند و آدم بسازند؛ آدم به همه ابعادی که دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۲۸۷).

۳-۴. ابعاد اجتماعی

ابعاد اجتماعی اندیشه امام خمینی علیه السلام، رابطه فرد با جامعه و نهادها را مورد توجه قرار می دهد. ایشان جامعه را مجموعه ای از افراد و نهادها می دانست که در تعامل با یکدیگر می توانند زمینه تحقق عدالت، امنیت و منافع جمعی را فراهم آورند. نهادهای اجتماعی، فرهنگی و دینی در این نگاه، واسطه میان مردم و حکومت هستند و سازوکارهای مشارکت و نظارت عمومی را تقویت می کنند. این نگاه، پایه ای برای طراحی سازوکارهای کنشگری و شبکه ای در مدل حکمرانی زمینه ساز ایجاد می کند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۲۹).

۵. انتخاب مؤلفه‌ها

بر اساس این ابعاد، مؤلفه‌های کلیدی مدل حکمرانی زمینه ساز تعیین شدند. این مؤلفه‌ها شامل عدالت، استقلال، ولایت فقیه، آزادی، کرامت انسانی، امنیت و منافع جمعی هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها، نقش مشخصی در تضمین توازن میان اهداف هنجاری و عملیاتی ایفا می‌کنند:

≠ عدالت: تضمین توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها و تحقق حقوق شهروندان (مروارید، ۱۴۰۲).

≠ استقلال: حفاظت از حاکمیت ملی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۸).

≠ ولایت فقیه: هدایت و نظارت بر فرایندهای حکمرانی بر اساس اصول فقه اسلامی (نهادی، ۱۴۰۰).

≠ آزادی: ایجاد زمینه‌های مشارکت فعال مردم و رشد فردی و جمعی (خسروپناه، ۱۴۰۲).

≠ کرامت انسانی: رعایت شأن و ارزش ذاتی انسان در همه تصمیمات حکومتی (عبدالهی، ۱۴۰۱).

≠ امنیت: تأمین ثبات اجتماعی و حفاظت از منافع جمعی (نهادی، ۱۴۰۰).

≠ منافع جمعی: تضمین هم‌راستایی اهداف فردی و اجتماعی با اهداف ملی و دینی (نهادی، ۱۴۰۰).

۵-۱. نسبت مؤلفه‌ها و نقش آنها در مدل حکمرانی

اندیشه امام خمینی علیه السلام در عرصه حکمرانی، بر بنیان‌های معرفتی و ارزشی پرشماری استوار است که ریشه در جهان‌بینی اسلامی و تجربه زیسته ملت ایران دارد. این مبانی را می‌توان در سه سطح اصلی دسته‌بندی کرد:

الف) مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی: امام خمینی با تکیه بر توحید، خدامحوری و کرامت ذاتی انسان، تصویری جامع از نسبت انسان با خدا، جامعه و قدرت

ارائه می‌کند. در این چارچوب، انسان موجودی آزاد، مسئول و دارای شأن الهی است که می‌تواند با اراده و اختیار خود، جامعه‌ای عادلانه و متکامل بنا کند (امام خمینی، ۱۳۷، صص ۴۵-۵۲).

ب) **مبانی اجتماعی و سیاسی:** از نگاه امام، جامعه اسلامی تنها مجموعه‌ای از افراد نیست، بلکه امت واحده‌ای است که باید بر اساس عدالت، معنویت و مشارکت عمومی سازمان یابد. ایشان بر ضرورت پیوند میان دین و سیاست، نفی سلطه بیگانه، استقلال و آزادی تأکید دارد. همچنین نقش مردم در تعیین سرنوشت و نظارت بر حاکمیت، جایگاهی محوری در اندیشه ایشان دارد (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص ۱۱۲-۱۲۰).

ج) **مبانی نهادی و حکمرانی:** در سطح نهادی، اندیشه امام خمینی علیه السلام بر محور ولایت فقیه به مثابه ضامن مشروعیت و هدایت جامعه استوار است. این اصل، ضمن پیوندزدن مشروعیت به دین، سازوکاری برای حفظ عدالت، کرامت انسان و صیانت از استقلال و آزادی جامعه فراهم می‌کند. امام در عین تأکید بر رهبری دینی، بر مشارکت گسترده مردم از طریق شوراها، انتخابات و بسیج اجتماعی نیز تأکید داشتند (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۶۰).

۵-۲. انتخاب مؤلفه‌های محوری

با توجه به این مبانی، مؤلفه‌هایی چون عدالت، استقلال، ولایت فقیه، آزادی، کرامت انسانی، امنیت و منافع جمعی به مثابه عناصر بنیادین مدل حکمرانی امام خمینی علیه السلام برگزیده شده‌اند. معیار اصلی در انتخاب این مؤلفه‌ها، ارتباط مستقیم آنها با فرایند حکمرانی و نقش محوری در تحقق حکمرانی زمینه‌ساز است. این مؤلفه‌ها نه تنها در آثار مکتوب و بیانات امام برجسته‌اند، بلکه در تجربه عملی جمهوری اسلامی نیز بازتاب یافته‌اند.

۵-۳. نسبت مؤلفه‌ها و نقش آنها در مدل حکمرانی

مدل حکمرانی امام خمینی علیه السلام دارای مؤلفه‌هایی بنیادین همچون ولایت فقیه، عدالت،

آزادی، استقلال، کرامت انسانی، امنیت و منافع جمعی است. هرچند این مؤلفه‌ها به‌ظاهر مستقل‌اند، در چارچوب منطق درونی اندیشه‌ی امام خمینی علیه‌السلام دارای نسبت‌های متقابل و مکمل هستند و تنها در پیوند با یکدیگر قابلیت تبیین کامل حکمرانی زمینه‌ساز را پیدا می‌کنند.

الف) ولایت فقیه به‌مثابه‌ی محور پیونددهنده‌ی مؤلفه‌ها: ولایت فقیه نه‌تنها نهادی حقوقی - سیاسی بلکه رکن معنایی حکمرانی اسلامی است که پیوند میان عدالت، آزادی، کرامت انسانی و استقلال را برقرار می‌کند. این مؤلفه محور اصلی انسجام دیگر عناصر در مدل حکمرانی زمینه‌ساز است (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص ۱۲-۳۵).

ب) عدالت معیار توزیع و تنظیم روابط اجتماعی: عدالت در اندیشه‌ی امام خمینی، نه‌تنها توزیع اقتصادی بلکه معیاری برای مشروعیت‌بخشی به همه‌ی حوزه‌های حکمرانی است. عدالت، آزادی را از سقوط به فردگرایی افراطی باز می‌دارد و استقلال را به‌مثابه‌ی بنیان مقاومت در برابر سلطه تقویت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۷، صص ۴۵-۶۸).

ج) آزادی در چارچوب هدایت دینی: آزادی از نظر امام خمینی، رهایی از سلطه‌ی بیرونی و نیز آزادی معنوی انسان از قید نفس و طاغوت است. این آزادی در تعامل با عدالت و ولایت فقیه معنا می‌یابد و بدون هدایت دینی به اباحه‌گری و تضعیف کرامت انسانی منجر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲۰، صص ۱۱۲-۱۳۰).

د) استقلال شرط لازم و بنیان اقتدار ملی: استقلال در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، پیش‌شرط تحقق دیگر مؤلفه‌هاست. بدون استقلال، عدالت به وابستگی، و آزادی به سلطه تبدیل می‌شود. استقلال شرط لازم برای امنیت و منافع جمعی پایدار است (امام خمینی، ۱۳۷۳، صص ۴۵-۶۰).

ه) کرامت انسانی به‌مثابه‌ی غایت حکمرانی: کرامت انسانی در منطق امام خمینی علیه‌السلام، هدف نهایی حکمرانی است که همه‌ی مؤلفه‌ها باید در خدمت تحقق آن باشند. عدالت، آزادی، ولایت فقیه و استقلال، همگی ابزارهایی برای صیانت و ارتقای کرامت انسان‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۷، صص ۱۲-۲۵).

و) امنیت و منافع جمعی به‌مانند نتایج کارکردی: امنیت و تأمین منافع جمعی،

برآیند پیوند مؤلفه‌های پیشین‌اند. حکمرانی زمینه‌ساز هنگامی موفق خواهد بود که بتواند در کنار پاسداری از آزادی‌ها و کرامت انسان‌ها، عدالت و استقلال را به گونه‌ای تحقق بخشد که به امنیت پایدار و تأمین منافع عمومی منجر شود (امام خمینی، ۱۳۷۴، صص ۴۵-۵۸). در این مدل، ولایت فقیه نقش محور انسجام‌دهنده را دارد، عدالت و استقلال کارکرد تنظیمی و حمایتی ایفا می‌کنند، آزادی و کرامت انسانی غایات انسانی و اجتماعی‌اند، و امنیت و منافع جمعی نتایج نهایی و قابل ارزیابی حکمرانی‌اند. بدین ترتیب حکمرانی زمینه‌ساز واجد ساختاری شبکه‌ای و پویاست که در آن، هر مؤلفه در تعامل با دیگری معنا پیدا می‌کند و در جهت تمدن نوین اسلامی سامان می‌یابد.

۶. تبیین مدل حکمرانی زمینه‌ساز

مدل حکمرانی زمینه‌ساز بر مبنای پیوندی نظام‌مند میان مبانی اندیشه امام خمینی (ره)، مؤلفه‌های اصلی حکمرانی اسلامی و اهداف غایی تمدن نوین اسلامی شکل می‌گیرد. این مدل در پی آن است که از سطح اداره روزمره جامعه عبور کند و به ایجاد بستری برای تحول اجتماعی، تقویت کنش جمعی، و تحقق وضعیت مطلوب تمدن نوین اسلامی بینجامد.

در این چارچوب:

- ۱) مبانی نظری (ابعاد هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اجتماعی) به‌مثابه زیرساخت معرفتی، فلسفی و ارزشی عمل می‌کنند که بستر فهم و جهت‌دهی به حکمرانی را فراهم می‌سازند.
- ۲) مؤلفه‌های محوری حکمرانی همچون عدالت، استقلال، ولایت فقیه، آزادی، کرامت انسانی، امنیت و منافع جمعی به‌مثابه شاخص‌های راهبردی و معیارهای اصلی ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات مطرح می‌شوند.
- ۳) سازوکارهای اجرایی شامل نهادها، سیاست‌ها، و ابزارهای عملیاتی‌اند که امکان تحقق مؤلفه‌ها در زیست اجتماعی را فراهم می‌کنند.
- ۴) نقش تمدن نوین اسلامی به‌مثابه وضعیت آرمانی و مطلوب، هم‌هدف غایی و هم

شاخص ارزیابی حرکت حکمرانی زمینه ساز است؛ به این معنا که معیار سنجش کارآمدی سیاست‌ها و تصمیمات، میزان هم‌سویی و نزدیک‌سازی آنها به این وضعیت مطلوب است.

۵) کنش جمعی و بازآفرینی اجتماعی عنصر پیونددهنده میان نهاد حکمرانی و جامعه‌اند. حکمرانی زمینه ساز نه تنها از طریق اعمال قدرت از بالا، بلکه از رهگذر مشارکت، بسیج اجتماعی و ارتقای ظرفیت‌های مردم به تحقق اهداف خود نائل می‌شود.

به این ترتیب مدل حکمرانی زمینه‌ساز بر سه سطح استوار است:

≠ سطح مبانی (معرفتی و ارزشی)؛

≠ سطح مؤلفه‌ها و سازوکارها (عملیاتی و سیاستی)؛

≠ سطح اهداف و غایات (تمدن نوین اسلامی).

این سطوح در تعاملی پیوسته قرار دارند و الگویی پویا برای راهبری جامعه اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد می‌کنند.

اساسی‌ترین مشخصه رویکرد شبکه‌ای، فاصله گرفتن از تفاسیر اتمیک در رابطه با ویژگی‌های موردی تفاسیر پدیداری است که روابط درون سیستمی کنشگران وابسته را واکاوی می‌کند (Wellman & Berkwitz, 1988). این تغییر بنیادین مستلزم گذار از ساختارهای نظری مبتنی بر متغیرهای تکی (مشخصه‌های کنشگران) به متغیرهای دوتایی (روابط میان کنشگران) است که شاکله روابط زوجی میان مجموعه کنشگران است. ارتباطات دوتایی به هم پیوسته به یک حوزه یا سیستم، بر مبنای وابستگی‌های متقابل منجر می‌شوند که شبکه نام دارد. این مسئله باعث می‌شود که نظریه پردازی شبکه، یک رنگ و بوی کل‌نگر و زمینه‌ای به خود گیرد. بر این اساس، نه تنها بازیگران بلکه محیط شبکه آنها نیز در پی یافتن توضیحات خواهند بود. این فرایند می‌تواند دربرگیرنده مؤلفه‌هایی باشد که خارج از آگاهی کنشگر شناختی قرار دارند؛ اما به واسطه ارتباطات ساختاری موجود، با او در پیوند هستند.

رویکرد شبکه‌محور به جای تمرکز بر ساختارهای ازپیش تعریف شده، رسمی یا

سازمانی، نظام‌های اجتماعی را به‌مثابه طیفی از روابط کنونی و روابط غایب میان کنشگران دوتایی تعریف می‌کند. نوع روابط ذکر شده می‌تواند رسمی، غیررسمی، ارجاعی، تبادلی، ارتباطی و غیره باشد؛ از این رو توسعه عملکرد و اثربخشی شبکه‌ها، در قلب رویکرد شبکه جای دارند (آنشل و تورفینگ، ۱۴۰۳، ص ۳۹۴).

۶-۱. عناصر و مؤلفه‌ها

مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام، پارچوبی جامع برای اداره جامعه ایرانی - اسلامی ارائه می‌دهد که به‌طور هم‌زمان، اهداف هنجاری و ارزش‌محور، و ابزارها و سازوکارهای عملیاتی را در بر می‌گیرد. اساس این مدل بر تعامل و هم‌افزایی میان نهادها، بازیگران اجتماعی، شاخص‌ها و سازوکارهای اجرایی استوار است تا زمینه تحقق عدالت، استقلال، امنیت، مشارکت عمومی و توسعه انسانی فراهم شود.

عناصر و مؤلفه‌های کلیدی این مدل را می‌توان در سه دسته اصلی تبیین کرد:

الف) نهادها و بازیگران کلیدی

≠ دولت و نهادهای رسمی: دربردارنده قوای مقننه، مجریه و قضائیه که مأموریت

طراحی سیاست‌ها، اجرا و نظارت بر برنامه‌های کلان را بر عهده دارند.

≠ نهادهای دینی و فرهنگی: مانند حوزه‌های علمیه، مؤسسه‌های آموزشی و مراکز

فرهنگی که وظیفه هدایت هنجاری، تولید معرفت دینی و تقویت ارزش‌های

اخلاقی را ایفا می‌کنند.

≠ تشکل‌های اجتماعی و مردمی: دربردارنده سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های

محلی و بسیج مردمی که ظرفیت مشارکت اجتماعی و بازخورد از سطح جامعه

را به فرایند حکمرانی منتقل می‌سازند.

ب) سازوکارهای کنشگری و تعامل

روابط میان نهادها و بازیگران اجتماعی از طریق سازوکارهای شبکه‌ای و تعاملی

تحقق می‌یابد. مهم‌ترین این سازوکارها مشورت، مشارکت مردمی، نظارت

عمومی، توانمندسازی اجتماعی و آموزشی است. چنین سازوکارهایی امکان

هم‌افزایی ظرفیت‌ها و حرکت هماهنگ در جهت اهداف هنجاری و عملیاتی را فراهم می‌کنند.

ج) مؤلفه‌های هنجاری و ارزش‌محور

این مؤلفه‌ها به‌مثابه بنیادهای ارزشی و راهبردی، چارچوب جهت‌دهنده حکمرانی زمینه‌ساز را تشکیل می‌دهند:

≠ عدالت اجتماعی: تضمین توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها.
 ≠ استقلال و امنیت ملی: پاسداری از حاکمیت و منافع جمعی در برابر تهدیدات.
 ≠ ولایت فقیه: هدایت و نظارت بر فرایندهای حکمرانی بر مبنای اصول فقه اسلامی.

≠ آزادی و مشارکت عمومی: فراهم‌سازی بستر فعالیت آزاد، مسئولانه و مشارکت فعال مردم.

≠ کرامت و توسعه انسانی: ارتقای توانمندی‌ها، مهارت‌ها و هویت فرهنگی - دینی جامعه.

ترکیب این سه دسته از عناصر، ساختاری منسجم، پویا و چندسطحی برای حکمرانی ایجاد می‌کند که هم اهداف بلندمدت و ارزشی و هم الزامات اجرایی و عملیاتی را در بر می‌گیرد.

۲-۶. شاخص‌ها و معیارهای سنجش

برای ارزیابی میزان کارآمدی و اثربخشی مدل حکمرانی زمینه‌ساز، لازم است مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و کیفی طراحی شود که هم تحقق اهداف هنجاری و هم کارکردهای عملی مدل را بازتاب دهد. این شاخص‌ها به شرح زیر است:

≠ شاخص‌های عدالت اجتماعی: کاهش نرخ فقر، بهبود ضریب جینی، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها، و ارتقای دسترسی برابر به خدمات عمومی، آموزشی و بهداشتی.

≠ شاخص‌های مشارکت عمومی: نرخ حضور مردم در انتخابات، سطح فعالیت در

نهادهای محلی و تشکلهای مدنی، میزان مشارکت در برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی.

≠ شاخص‌های استقلال و امنیت ملی: توانایی کشور در اتخاذ تصمیم‌های مستقل در حوزه‌های کلان، افزایش تاب‌آوری در برابر فشارها و تهدیدات خارجی، و حفظ انسجام و هویت ملی.

≠ شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگی: ارتقای سطح سواد عمومی، رشد نهادهای علمی و فرهنگی، تقویت ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای، توسعه مهارت‌های انسانی و ارتقای اخلاق و معنویت اجتماعی.

این شاخص‌ها ابزار ارزیابی و پایش مداوم عملکرد نهادهای حکمرانی فراهم می‌سازند و امکان بازخوردگیری و اصلاح سیاست‌ها را در جهت تحقق اهداف زمینه‌ساز ایجاد می‌کنند.

۳-۶. الزامات عملی

اجرای سازی مدل حکمرانی زمینه‌ساز مستلزم رعایت مجموعه‌ای از الزامات نهادی، ساختاری و سیاستی است. مهم‌ترین این الزامات به شرح زیر است:

≠ تقویت نهادهای محلی و اجتماعی: حمایت نظام‌مند از سازمان‌های غیردولتی، تشکلهای مردمی و شبکه‌های اجتماعی محلی با هدف گسترش ظرفیت مشارکت عمومی، نظارت اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی.

≠ توانمندسازی منابع انسانی: سرمایه‌گذاری در آموزش عمومی، تخصصی و اخلاقی برای افزایش سطح مهارت‌ها، ارتقای شایستگی‌های مدیریتی و تقویت سرمایه انسانی به‌مثابه زیربنای حکمرانی کارآمد.

≠ شفافیت و پاسخگویی: طراحی و نهادینه‌سازی سازوکارهای نظارتی و شفاف‌سازی فرایندهای حکمرانی از طریق انتشار گزارش‌های عملکرد، دسترسی آزاد به اطلاعات، و الزام مسئولان به پاسخگویی در برابر مطالبات عمومی.

≠ تقویت اقتصاد مقاومتی و خودکفایی: توسعه ظرفیت‌های تولید داخلی، حمایت از

نوآوری‌های فناورانه، و کاهش وابستگی به منابع خارجی برای ارتقای استقلال اقتصادی و تاب‌آوری ملی.

≠ توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی: سرمایه‌گذاری پایدار در حوزه‌های آموزش و پرورش، رسانه، هنر و نهادهای فرهنگی - اجتماعی با هدف تقویت هویت ملی، دینی و اخلاقی جامعه.

≠ ترویج عدالت و برابری فرصت‌ها: تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی که هم عدالت توزیعی و هم عدالت در فرصت‌ها را محقق کند و بستر ارتقای رفاه و کرامت عمومی را فراهم آورد.

۷. بررسی تطبیقی با مدل‌های مدرن

۷-۱. نسبت حکمرانی زمینه‌ساز با مدل‌های مدرن

≠ حکمرانی بازاری^۱: بر پایه منطق رقابت، کارایی اقتصادی و مکانیسم عرضه و تقاضا استوار است. اگرچه حکمرانی زمینه‌ساز کارایی اقتصادی را می‌پذیرد، آن را ذیل عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و استقلال ملی سامان می‌دهد و بازار را از مطلق‌گرایی به سوی عدالت‌محوری هدایت می‌کند (هیوود، ۱۴۰۱، صص ۹۸-۱۰۲).

≠ حکمرانی شبکه‌ای^۲: مبتنی بر تعاملات افقی، مشارکت چند ذینفعی و هم‌افزایی میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. حکمرانی زمینه‌ساز نیز بر مشارکت و کنش جمعی تأکید دارد؛ اما به جای نسبی‌گرایی ارزشی شبکه‌ای، محوریت ولایت فقیه و ارزش‌های اسلامی را به مثابه مبنای انسجام و هماهنگی وارد می‌کند (سیاقی و همکاران، ۲۰۲۳، صص ۲۳۴-۲۵۰).

≠ حکمرانی هرمی^۳: مبتنی بر اقتدار دولت و سلسله‌مراتب بوروکراتیک است. حکمرانی زمینه‌ساز از ظرفیت اقتدار رسمی استفاده می‌کند؛ اما آن را با مشارکت

1. Market Governance
 2. Network Governance
 3. Hierarchical Governance

اجتماعی، نظارت عمومی و مشروعیت دینی ترکیب می نماید و از حالت صرفاً بالا به پایین خارج می کند (آنشل و تورفینگ، ۱۴۰۳، صص ۴۴۷-۴۵۸).

۲-۷. نقاط اشتراک و افتراق

≠ اشتراکها

- با حکمرانی بازاری: توجه به کارآمدی و تخصیص منابع.
- با حکمرانی شبکه‌ای: تأکید بر مشارکت و همکاری چندسطحی.
- با حکمرانی هرمی: استفاده از اقتدار دولت برای انسجام و اجرای سیاست‌ها.

≠ افتراقها

- حکمرانی زمینه‌ساز برخلاف حکمرانی بازاری، عدالت و ارزش‌های اخلاقی را بر کارایی مقدم می‌داند.
- حکمرانی زمینه‌ساز محور ارزشی و دینی دارد برخلاف حکمرانی شبکه‌ای که نسبی‌گرای ارزشی است.
- حکمرانی زمینه‌ساز در مقایسه با حکمرانی هرمی، از تمرکز صرف بر اقتدار دولتی فاصله می‌گیرد و نقش مردم و جامعه مدنی را برجسته می‌کند.

۳-۷. کاربردها و محدودیتها در جهان واقعی و ایران

≠ کاربردها

- ایجاد الگوی بومی حکمرانی متناسب با شرایط فرهنگی، دینی و اجتماعی ایران.
- ترکیب مزایای کارآمدی اقتصادی، مشارکت اجتماعی و اقتدار دولتی در چارچوبی هماهنگ.
- ارائه الگویی برای کشورهای اسلامی و در حال توسعه که در پی پیوند میان ارزش‌ها و کارآمدی هستند.

≠ محدودیتها

- چالش‌های اجرایی ناشی از تعارض میان الزامات دینی و مقتضیات اقتصادی - سیاسی جهانی.

- خطر بوروکراتیزه شدن و فاصله گرفتن از مشارکت واقعی مردم.
- دشواری در ایجاد تعادل میان استقلال ملی و ضرورت‌های تعاملات بین‌المللی.

۸. مطالعه موردی: تجربه نهادهای ایرانی

۸-۱. منطق شکل‌گیری

جهاد سازندگی در خرداد ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی علیه السلام تأسیس شد. منطق اصلی شکل‌گیری آن، پاسخ به نیاز فوری روستاها و مناطق محروم بود؛ جایی که دولت تازه تأسیس انقلاب، برای رسیدگی سریع به نیازهای عمرانی و خدماتی توان و ساختار لازم را نداشت.

جهاد با استفاده از روحیه ایثار، مشارکت مردمی و داوطلبی نیروهای جوان توانست ظرف مدت کوتاهی به بازوی اجرایی - اجتماعی انقلاب تبدیل شود. در واقع جهاد سازندگی از همان ابتدا جلوه‌ای عینی از حکمرانی زمینه‌ساز بود که ویژگی‌های بارز آن به شرح زیر است:

- ≠ مردم‌محوری: اتکا به مشارکت داوطلبانه؛
- ≠ عدالت‌خواهی: تمرکز بر محرومیت‌زدایی؛
- ≠ استقلال و خودکفایی: کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی.

۸-۲. سیر تطور نهادی

دهه ۱۳۶۰ را می‌توان اوج کارآمدی جهاد سازندگی قلمداد کرد. در این دهه، این نهاد عهده‌دار اجرای پروژه‌های گسترده‌ای، از جمله آبرسانی، برقرسانی، راه‌سازی و خدمات عمرانی روستایی بود. افزون بر این، جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی نیز نقش پشتیبانی و مهندسی جنگی ایفا کرد.

≠ در دهه ۱۳۷۰ جهاد سازندگی به تدریج با چالش‌های بوروکراتیزه شدن روبه‌رو شد. این چالش‌ها به‌طور عمده، ناشی از ورود نیروهای رسمی استخدام‌شده، افزایش وابستگی به بودجه دولتی، و در نتیجه، کاهش مشارکت داوطلبانه بود.

≠ در سال ۱۳۷۹، در راستای سیاست‌های کلان ادغام نهادها، جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی ادغام شد و عنوان «وزارت جهاد کشاورزی» را به خود گرفت. این اقدام ساختاری عملاً روحیه جهادی و مشارکتی نهاد را تضعیف و آن را به سازمانی بوروکراتیک تبدیل کرد.

۸-۳. مشکلات اجرایی

≠ بوروکراتیزه شدن: به تدریج نهادی مردمی به سازمانی دولتی تبدیل شد.
≠ فقدان پایداری ساختاری: ادغام در وزارتخانه باعث شد هویت مستقل آن از بین برود.

≠ گسست نسلی: از نیروهای جوان و دانشجویی داوطلب فاصله گرفت.
≠ وابستگی مالی: ابتکار عمل آن به دلیل وابستگی بیشتر به بودجه دولت کاهش یافت (ویلسون، ۱۳۹۵، صص ۱۱۲-۱۲۸).

۸-۴. درس‌های عملی برای ارتقای مدل حکمرانی زمینه‌ساز

≠ حفظ ماهیت مردمی: تجربه جهاد نشان داد که هرگاه حکمرانی بر ظرفیت داوطلبانه مردم تکیه کند، هزینه‌ها کاهش و کارآمدی افزایش می‌یابد.
≠ اجتناب از ادغام‌های ناکارآمد: نهادهای زمینه‌ساز باید استقلال نسبی خود را برای حفظ روحیه جهادی و ابتکار عمل داشته باشند.
≠ انعطاف‌پذیری نهادی: جهاد توانست در شرایط متفاوت (بازسازی، جنگ، توسعه روستایی) مأموریت‌های متنوعی انجام دهد. این تنوع‌پذیری باید در نهادهای آینده حفظ شود.

≠ نظارت اجتماعی: جهاد زمانی موفق بود که پاسخگوی نیازهای واقعی مردم بود. نهادهای زمینه‌ساز باید با سازوکارهای بازخورد مردمی هدایت شوند.
≠ ارتباط با نسل جوان: تجربه جهاد ثابت کرد که سرمایه اصلی تحول اجتماعی،

نیروی انسانی جوان و مؤمن است. اتصال نهادهای حکمرانی به دانشگاه‌ها و تشکل‌های جوان باید همیشگی باشد.

۸-۵. نسبت با مدل حکمرانی زمینه‌ساز

جهاد سازندگی را می‌توان نمونه عینی حکمرانی زمینه‌ساز در عمل دانست. این نهاد در سه سطح کلیدی، انطباق خود را با این مدل نشان داد:

≠ سطح مبانی و ارزش‌ها: عملکرد جهاد سازندگی مبتنی بر اندیشه امام خمینی علیه السلام و ارزش‌های بنیادین عدالت و استقلال بود.

≠ سطح مؤلفه‌ها و سازوکارها: جهاد سازندگی توانست ترکیبی از نهاد رسمی و ظرفیت‌های مردمی را محقق کند.

≠ سطح اهداف و غایات: این نهاد با تمرکز بر محرومیت‌زدایی و بازسازی اجتماعی - اقتصادی کشور، بستر ساز حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی شد.

با این حال، تجربه ادغام و بوروکراتیزه شدن جهاد سازندگی هشدار می‌دهد که مدل حکمرانی زمینه‌ساز فقط در صورتی موفق خواهد بود که انعطاف‌پذیر، مردم‌محور، و ارزش‌مدار باقی بماند و از جذب کامل در سازوکارهای صرفاً دولتی پرهیز کند.

۹. مطالعه موردی نهادهای فرهنگی و آموزشی در ایران و نسبت آنها با حکمرانی زمینه‌ساز

۹-۱. نهادهای فرهنگی

۹-۱-۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

الف) منطق شکل‌گیری: پس از انقلاب اسلامی برای سامان‌دهی امور رسانه، هنر، کتاب و فعالیت‌های دینی - فرهنگی به وجود آمد. رسالت اصلی آن، پشتیبانی و سیاست‌گذاری فرهنگی متناسب با ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

ب) سیر تطور: این وزارتخانه از دهه ۶۰ بیشتر بر کنترل و نظارت تمرکز داشت؛ در

دهه ۷۰ به سوی بازتر شدن فضا و گسترش نهادهای غیردولتی رفت و در دهه‌های اخیر درگیر چالش تنظیم‌گری در فضای مجازی و جهانی‌شدن فرهنگی شده است.

ج) مشکلات اجرایی:

≠ تمرکزگرایی شدید و نگاه بروکراتیک؛

≠ فاصله گرفتن از مشارکت مردمی و شبکه‌ای؛

≠ ناتوانی در مواجهه کارآمد با تحولات رسانه‌ای و زیست مجازی.

د) درس‌ها برای حکمرانی زمینه‌ساز:

≠ ضرورت تمرکززدایی و تفویض اختیار به شبکه‌های مردمی؛

≠ گذار از نقش صرفاً نظارتی به تسهیل‌گری و توانمندسازی فرهنگی؛

≠ توجه به پیوند فرهنگ ملی - دینی با نیازهای جهانی نسل جوان.

۹-۱-۲. دفتر تبلیغات اسلامی

الف) منطق شکل‌گیری: برای مدیریت تبلیغ دینی و حمایت از روحانیت در امر هدایت اجتماعی تأسیس شد.

ب) مسیر تطور: از ابتدا نهاد متمرکز حاکمیتی بود. سپس با گسترش فعالیت‌ها به حوزه‌های هنر دینی، رسانه و فضای مجازی ورود کرد.

ج) مشکلات اجرایی:

≠ بروکراسی سنگین؛

≠ عدم انطباق برخی سیاست‌ها با نیازهای فرهنگی نسل جدید؛

≠ هم‌پوشانی و موازی‌کاری با دیگر نهادهای فرهنگی.

د) درس‌ها:

≠ حرکت به سوی شبکه‌سازی فرهنگی از پایین به بالا؛

≠ استفاده از ظرفیت‌های زیست مجازی و هنر برای بازتولید معنا؛

≠ بازطراحی مأموریت‌ها در جهت تسهیل‌گری فرهنگی به جای تصدی‌گری.

۹-۲. نهادهای آموزشی

۹-۲-۱. آموزش و پرورش

الف) منطق شکل‌گیری: نهاد رسمی تعلیم و تربیت عمومی کشور بر این مبنا استوار است که رسالت اصلی آن، ضمانت انتقال نظام‌مند سه عنصر محوری برای تداوم و انسجام اجتماعی است: دانش رسمی انباشته شده، فرهنگ حاکم و هویت ملی - دینی تعریف شده.

ب) سیر تطور: از دوره پهلوی دوم به شدت متمرکز بود و پس از انقلاب به سوی اسلامی سازی پیش رفت؛ اما همواره با مشکلات نظام بروکراتیک و فاصله با نیازهای واقعی جامعه مواجه بوده است.

ج) مشکلات اجرایی:

- ≠ تمرکزگرایی شدید و مقاومت در برابر اصلاح؛
- ≠ ضعف در پیوند دادن آموزش با زندگی واقعی و آینده شغلی دانش آموزان؛
- ≠ فشارهای ایدئولوژیک در مقابل نیاز به انعطاف و نوآوری.

د) درس‌ها برای حکمرانی زمینه‌ساز:

- ≠ مردمی سازی آموزش و استفاده از مشارکت خانواده‌ها و گروه‌های مدنی؛
- ≠ حرکت به سوی الگوی مدرسه به مثابه کانون محلی کنش جمعی؛
- ≠ تقویت مهارت محوری و تربیت اجتماعی در کنار آموزش علمی.

۹-۲-۲. آموزش عالی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه)

الف) منطق شکل‌گیری: دانشگاه‌ها در چارچوب توسعه مدرن شکل گرفتند. حوزه‌ها پیشینه تاریخی - دینی داشتند. پس از انقلاب تلاش برای وحدت حوزه و دانشگاه آغاز شد.

ب) سیر تطور:

≠ دانشگاه‌ها به شدت گسترش یافتند؛ اما از نظر کیفیت و پیوند با جامعه دچار بحران شدند.

≠ حوزه‌ها به ویژه در علوم انسانی درگیر پرسش از نسبت سنت و مدرنیته شدند.

ج) مشکلات اجرایی:

≠ در دانشگاه‌ها:

○ بیکاری فارغ‌التحصیلان؛

○ کمبود نوآوری؛

○ وابستگی به دولت.

≠ در حوزه‌ها:

○ کندی اصلاحات ساختاری؛

○ عدم انطباق با نیازهای جهانی.

د) درس‌ها:

≠ حرکت به سوی آموزش ترکیبی دانشگاهی - مهارتی و حوزه‌ای - اجتماعی؛

≠ تقویت مأموریت تمدنی و بین‌المللی آموزش عالی؛

≠ استقلال بیشتر از دولت و حرکت به سوی شبکه‌های دانش‌بنیان مردمی.

مطالعه نهاد‌های فرهنگی و آموزشی نشان می‌دهد که مشکل اصلی در ایران

تمرکزگرایی، تصدی‌گری دولتی و ضعف در شبکه‌سازی مردمی است. مدل حکمرانی

زمینه‌ساز پتانسیل ارتقا این وضعیت را از طریق راهبردهای زیر داراست:

≠ مشارکت‌افزایی مردمی در تصمیم‌گیری و اجرا؛

≠ شبکه‌سازی نهادی و اجتماعی به‌جای ساختارهای موازی؛

≠ کارویژه تسهیل‌گری دولت به‌جای تصدی‌گری؛

≠ توجه به زیست مجازی به‌مثابه بستر اصلی فرهنگ و آموزش آینده.

۱۰. نسبت مدل با تمدن نوین اسلامی

۱-۱۰. تعریف وضعیت مطلوب (آرمانی) تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی در نگاه اندیشمندان انقلاب اسلامی (امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم

انقلاب)، به معنای احیای همه‌جانبه هویت اسلامی در عرصه فردی، اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی، علمی و فرهنگی است. وضعیت مطلوب چنین تمدنی دارای مؤلفه‌های زیر است:
 ≠ عدالت اجتماعی فراگیر: کاهش فاصله طبقاتی، توزیع عادلانه منابع، و رفع فقر و تبعیض.

≠ پیشرفت علمی و فناوری بومی: اتکا بر دانش، نوآوری و خودکفایی علمی در عین تعامل فعال با جهان.

≠ استقلال سیاسی و اقتصادی: نفی سلطه‌پذیری و مقاومت در برابر نظام سلطه جهانی.
 ≠ مردم‌سالاری دینی و مشارکت همگانی: پیوند عمیق میان دین و مردم در عرصه حکمرانی.

≠ معنویت، اخلاق و هویت اسلامی - ایرانی: تقویت سرمایه‌های فرهنگی و هویتی در برابر استحاله تمدنی غرب.

≠ امنیت پایدار و اقتدار منطقه‌ای: ایفای نقش فعال در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی.
 این وضعیت آرمانی همان مقصدی است که «مدل حکمرانی زمینه ساز» می‌کوشد مسیر رسیدن به آن را طراحی و عملیاتی کند.

۲-۱۰. نقش تصور آرمانی در تعیین شاخص‌ها و سیاست‌ها

تصویر روشن از وضعیت مطلوب (تمدن نوین اسلامی) به منزله قطب‌نمایی راهبردی برای مدل حکمرانی زمینه‌ساز عمل می‌کند. این تصور غایی، مشتمل بر سه کارکرد اساسی است:

≠ شناختن شاخص‌سازی: وضعیت مطلوب، زمینه ساز تبدیل مفاهیم بنیادین به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری می‌شود؛ برای مثال

○ عدالت: از طریق شاخص‌های کاهش فقر و توزیع برابر فرصت‌ها سنجیده می‌شود.

○ استقلال: با شاخص کاهش وابستگی به قدرت‌های جهانی ارزیابی می‌شود.

○ معنویت: از طریق شاخص گسترش اخلاق اسلامی در ابعاد مختلف جامعه متبلور می‌شود.

≠ جهت‌دهی به سیاست‌ها: سیاست‌های اجرایی باید همسو با غایت تمدنی باشند؛ برای مثال سیاست اقتصادی نباید تنها به رشد کمی بپردازد، بلکه باید بر عدالت، استقلال و کرامت انسانی استوار باشد.

≠ اولویت‌بندی اقدامات: در مواجهه با منابع محدود، آن اقداماتی در اولویت قرار می‌گیرند که بیشترین هم‌افزایی را در مسیر تمدن نوین اسلامی دارند - برای مثال آموزش، عدالت اجتماعی و فناوری‌های راهبردی - .

۱۰-۳. تحلیل تطبیقی وضعیت موجود با وضعیت مطلوب

در مقایسه وضعیت فعلی ایران با آرمان تمدن نوین اسلامی می‌توان هم نقاط قوت و هم فاصله‌ها را شناسایی کرد.

۱۰-۳-۱. نقاط قوت و دستاوردها

≠ پیشرفت علمی چشمگیر در حوزه‌های فناوری هسته‌ای، پزشکی و دفاعی؛
 ≠ استقلال سیاسی در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛
 ≠ نهادهای گسترده فرهنگی و اجتماعی با ظرفیت‌های مردمی (مانند بسیج)؛
 ≠ گسترش ایده مقاومت و نفوذ منطقه‌ای.

۱۰-۳-۲. چالش‌ها و فاصله‌ها

≠ وجود شکاف طبقاتی و عدالت‌نارسایی در توزیع منابع؛
 ≠ وابستگی نسبی اقتصاد به نفت و ضعف در تولید ثروت پایدار؛
 ≠ بخشی از ناکارآمدی‌ها در نظام اجرایی و بوروکراسی دولتی؛
 ≠ اثرگذاری تهدیدهای فرهنگی و جنگ نرم غرب بر هویت نسل جوان.

۱۰-۳-۳. راه عبور از وضع موجود به مطلوب

≠ اصلاحات ساختاری در حکمرانی اقتصادی: تمرکز بر عدالت و تولید داخلی.
 ≠ افزایش سرمایه اجتماعی: بازسازی اعتماد عمومی و تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی.

≠ ارتقای نظام دانشی و پژوهشی: پیوند دادن علم با نیازهای تمدنی.
 ≠ تمرکز بر عدالت ارتباطی و فرهنگی: مدیریت فضای مجازی و رسانه‌ای در راستای هویت اسلامی - ایرانی.
 در نتیجه مدل حکمرانی زمینه‌ساز نه یک مدل صرفاً اداری بلکه یک الگوی تمدنی است که مسیر عبور از وضع موجود - با همه کاستی‌ها - به وضعیت مطلوب تمدن نوین اسلامی را مشخص می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام، با اتکا به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اجتماعی اسلام، ساختاری سه سطحی از مبانی معرفتی، مؤلفه‌ها و سازوکارهای اجرایی، و اهداف غایی تمدنی ارائه می‌دهد. این مدل، صرفاً یک چارچوب مدیریتی یا سیاسی نیست، بلکه الگویی پویا، ارزش‌محور و تمدن‌ساز است که غایت آن، فراهم‌سازی بستر برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.
 در مقایسه با مدل‌های مدرن حکمرانی - اعم از بازاری، شبکه‌ای و هرم‌محور - ، الگوی زمینه‌ساز از چند جهت متمایز است. نخست آن که برخلاف الگوهای صرفاً کارکردی یا اقتصادی، بُعد هنجاری و ارزشی را در مرکز خود قرار می‌دهد و حکمرانی را نه فرایندی تکنیکی، بلکه عرصه‌ای از تحقق ارزش‌های الهی می‌داند. دوم، مردم در این مدل نه به‌عنوان مخاطب یا تابع قدرت، بلکه به‌مثابه کنشگرانی فعال و صاحب نقش در فرایند تصمیم‌سازی و اجرا تلقی می‌شوند. سوم، رابطه دولت و جامعه در چارچوب سازوکارهای شبکه‌ای و مشارکتی بازتعریف می‌شود، اما این مشارکت بر اصول اسلام، عدالت، ولایت فقیه و مسئولیت متقابل مردم و حاکمیت استوار است. افزون بر این، شاخص‌های عدالت، استقلال، کرامت انسانی و امنیت در این الگو در پیوندی درونی با معیارهای فرهنگی و معنوی قرار می‌گیرند و از این رهگذر، معیارهای پیشرفت جامعه از سطح مادی فراتر رفته و به سطح تعالی انسانی و اجتماعی ارتقا می‌یابد.

نوآوری اصلی این پژوهش در آن است که با بازخوانی نظام‌مند اندیشه امام خمینی علیه السلام، الگویی بومی و بدیل از حکمرانی ارائه می‌دهد که هم‌زمان سه کارکرد بنیادین دارد: نخست، پرکردن خلأ نظری موجود در ادبیات حکمرانی اسلامی و ایرانی؛ دوم، فراهم‌سازی چارچوبی نظام‌مند برای پیوند ارزش‌های اسلامی با سازوکارهای اجرایی و نهادی؛ و سوم، ارائه ابزاری تحلیلی برای سیاست‌گذاران و مدیران کشور به منظور طراحی سیاست‌هایی که عدالت، استقلال و کرامت انسانی را در بستر مشارکت عمومی و نهادهای اجتماعی تحقق بخشند.

از منظر سیاست‌گذاری، نتایج پژوهش بیانگر آن است که تحقق حکمرانی زمینه‌ساز مستلزم نهادینه‌سازی مؤلفه‌هایی همچون عدالت، استقلال، مشارکت و ولایت در سطوح گوناگون برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان کشور است. این امر نیازمند بازطراحی ساختارهای نهادی، تقویت شبکه‌های مردمی - حاکمیتی و ایجاد سازوکارهای ارزیابی و بازخورد در فرآیند تصمیم‌سازی است. الگوی حکمرانی زمینه‌ساز همچنین ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان چارچوبی راهبردی برای تحول در نظام اجرایی، فرهنگی و اجتماعی ایران به کار گرفته شود؛ چنان‌که تجربه‌های موفق نظیر جهاد سازندگی و بسیج مردمی نشان داده‌اند، تلفیق ایمان، مردم‌باوری و ساختارهای کارآمد می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت و خوداتکایی ملی گردد.

از منظر نظری، این مدل افقی تازه در برابر الگوهای مدرن حکمرانی می‌گشاید و امکان گفت‌وگو میان نظریه‌های اسلامی و نظریه‌های جدید حکمرانی را فراهم می‌آورد. از منظر پژوهشی نیز، ادامه این مسیر می‌تواند شامل توسعه چارچوب نظری حکمرانی زمینه‌ساز در نسبت با الگوهای چون حکمرانی خوب، حکمرانی دیجیتال و حکمرانی هوشمند باشد. همچنین، پژوهش‌های تطبیقی در بستر کشورهای اسلامی و مطالعات میدانی در حوزه‌هایی نظیر آموزش، فرهنگ و اقتصاد مقاومتی می‌تواند به آزمون و بومی‌سازی بیشتر این الگو یاری رساند.

در جمع‌بندی نهایی، مدل حکمرانی زمینه‌ساز از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نه صرفاً نظریه‌ای انتزاعی، بلکه الگویی عملی و تمدن‌گرا برای اداره جامعه اسلامی است. این

الگو، با تلفیق مؤلفه‌های هنجاری و اجرایی و با تکیه بر ظرفیت‌های مردمی و ارزش‌های الهی، می‌تواند مسیر گذار از وضعیت کنونی به وضعیت مطلوب تمدن نوین اسلامی را هموار کند و مبنایی نظری و سیاستی برای تحقق عدالت، استقلال و تعالی انسان در عصر جدید فراهم آورد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

آنشل، کریستوفر؛ تورفینگ، جیکوب. (۱۴۰۳). دانشنامه حکمرانی: مجموعه نظریه‌های حکمرانی (مترجم: مجید غلامی و مهیار حسنی). تهران: نشر حکمرانی.

آهنگری، عبدالمجید. (۲۰۲۰). برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.

اسمائیل، سید؛ بصیر، سیتی آرنی؛ هیاطی، سید عایشه؛ و سیاقی، محمد. (۲۰۲۳). شیوه‌های حکمرانی اسلامی: مطالعه‌ای جامع با تمرکز بر سازمان‌های غیردولتی. کوالالامپور: انتشارات دانشگاه مالایا.

خسروپناه، محسن. (۱۴۰۲). اصول حکمرانی اسلامی: تحقق آزادی، عدالت و امنیت است. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۷). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۵). سخنرانی‌ها و نامه‌ها. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶). صحیفه نور (ج ۲۰). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۷). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). صحیفه امام (ج ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). وصایای سیاسی و اجتماعی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

داداشی جوکندان، علیرضا؛ تقی پور، محمد؛ یوسفی، معصومه؛ قوامی، امیر حسین. (۱۴۰۰).

طراحی مدل مدیریت سیاسی و حکمرانی خوب مبتنی بر دیدگاه اسلامی در عصر غیبت (با

- استفاده از روش داده بنیاد)، تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱۱۲(۳)، صص ۱۴۴-۱۶۴.
- رضایی، مهدی؛ رضوانی‌فر، محمد‌مهدی. (۱۳۹۸). دستور‌گرایی و سیاست‌گذاری عمومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۳)، صص ۴۲-۹
- شیروودی، مرتضی. (۱۳۹۰). آثار همبستگی ملی و مشارکت عمومی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی. حصون، ۶(۶)، صص ۶۴-۱۹۱. <https://B2n.ir/bf340191>.
- صداقت کیش، فاطمه؛ نصرالهی، سامان. (۱۳۹۵). تأملی در مفاهیم و ابعاد توسعه سیاسی و حکمرانی خوب. کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت. تهران: جهاد دانشگاهی.
- عبدالهی، یحیی. (۱۴۰۱). جامعه و حکومت ولایی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس.
- قدیمی، محمد. (۱۴۰۲/۰۵/۲۹). جنبش مردمی: بنیان جهاد سازندگی. قابل دسترس در: <https://B2n.ir/re3720>
- کشاوری شگری، عباس؛ شجاعی شاهد، جبار. (۱۳۹۵). تبلور حکمرانی خوب در اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی علیه السلام، مطالعات انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۲(۲)، صص ۵۲-۲۹.
- متفکر، حسین؛ بهاروندی، سهیلا. (۱۴۰۱). ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب، ۳(۱)، ۳۷-۷۴.
- متفکر، حسین. (۱۳۹۶). ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲(۲)، صص ۲۳-۴۵.
- متقی، محسن. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، ۳(۸)، صص ۱۴-۳۵.
- محمودی کیا، محمد. (۱۳۹۸). حکمرانی خوب در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۶(۱۹)، صص ۸۲-۵۷.
- مروارید، میرزا حسنعلی. (۱۴۰۲). حکمرانی اسلامی مردم‌محور و ولایت‌پایه است. قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس.

ناظمی اردکانی، محسن. (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
نامخواه، مجتبی. (۱۳۹۴). نظریه انقلاب امام خمینی علیه السلام. اندیشه سیاسی در اسلام، ۲(۵)، صص
۱۴۵-۱۷۵.

نهادی، هادی. (۱۴۰۰). بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر
نهج‌البلاغه. تهران: دانشگاه تهران.

ویلسون، جیمز کی. (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری عمومی و بوروکراسی (مترجم: علی محمدی). تهران:
سمت.

هیوود، هیو. (۱۴۰۱). مدیریت و سیاست‌های عمومی: نگاهی به حکمرانی معاصر (مترجم: سعید
احمدی). تهران: مرکز مطالعات سیاست‌گذاری.

Wellman, B., & Berkowitz, S. D. (Eds.). (1988). *Social Structures: A Network Approach*
(Vol.2). Cambridge: Cambridge University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی